



سخن سردبیر: فرهنگِ فرزانی

دانشگاه به عنوان بزرگ‌ترین مرکز دانش و پژوهش، مجمع فرزندگان و خردمندان جامعه است. تنوع رشته‌ها و گرایش‌های آموزشی در دانشگاه‌ها از آن روست که آدمی دارای ابعاد گوناگون روحی و جسمی است و هر یک از این ابعاد، نیازها و کمال‌هایی متفاوت با ابعاد دیگر دارد. اما در عین حال، جنبه‌های گوناگون وجودی انسان کامل‌کننده هم هستند و هیچ جنبه‌ای از وجود آدمی بدون در نظر گرفتن سایر جنبه‌های وجودی او کامل نیست.

دانش‌ها و پژوهش‌های مختلف، همگی، وظیفه تفسیر کتاب بزرگ هستی و کشف ناشناخته‌ها و امکانات موجود در آن را به عهده دارند و ثمر و نتایج آن‌ها، به شکل‌های مستقیم و غیر مستقیم، در خدمت برطرف کردن نیازهای انسان است. به وسیله دانش و پژوهش است که بسیاری از آیات قرآن کریم معنای حقیقی خود را می‌یابند و تفسیر می‌شوند. چنان‌که به عنوان نمونه، می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْرَى الْفُلُكُ فِيهِ بَأْمَرِهِ وَلِتُبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»؛ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره مبارکه جاثیه، آیات شریفه ۱۲ و ۱۳): خداست که دریا را برای شما مسخر و رام کرد تا کشتی‌ها به فرمانش در آن روان شوند و تا شما [با سفرهای دریایی] از فضل و رزق و روزی‌اش بهره جوید و تا شما [بر نعمت‌هایش] سپاس‌گذاری کنید. و همه آنچه را در آسمان‌هاست و آنچه را در زمین است، از سوی خود برای شما مسخر و رام کرد؛ بی‌تردید در این امور برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی [بر ربوبیت، حکمت و قدرت خدا] است.

در نگاه قرآنی و بر مبنای فرهنگ عمیق ایرانی، هر پدیده‌ای که در آفرینش مشاهده می‌شود، در حکم آیه‌ای است که به تفسیر و تأویل نیاز دارد و در سایه‌سار همین نگاه تفسیری و تأویلی به هستی است که دانش‌های گوناگون شکل گرفته و زمین با تمام تنوعی که دارد استعداد‌های خود را بر آدمیان فرزانه و فرهیخته آشکار ساخته است. در پرتو چنین نگاهی است که همه دانش‌ها مقدس می‌شوند و عظمت خالق هستی را باز می‌نمایند. با این حال، همین دانش‌ها و پژوهش‌های مقدس و باشکوه، زمانی معنا و ارزش خواهند داشت که زنگی را برای انسان راحت‌تر، زیباتر و دل‌پذیرتر سازند. دانش بدون مرکزیت انسان، لطفی ندارد.

در نگاه انسان‌های فرهیخته، همه دانش‌های بشری، در واقع، یکی هستند و وحدت ذاتی و جوهری دارند؛ زیرا هر دانشی، با روش، مبانی و اهداف خاص خود، جنبه‌ای از یک «حقیقت مطلق» را می‌کاود و ابعاد ناشناخته آن را روشن می‌سازد. از آنجا که احاطه بر این حقیقت مطلق برای یک انسان میسر نیست، خردمندان و دانایان، در طول تاریخ، آن را بخش بخش کرده‌اند و هریک تنها به یک جنبه آن پرداخته‌اند. لذا تنوع دانش‌ها ناشی از تنوع و تکرر زاویه‌های دید به یک حقیقت کلی است، و دانش‌ها، همگی، یکی هستند و هیچ تفاوتی بین یک رشته علمی با رشته علمی دیگر نیست. شاید با توجه به چنین نگاهی است که در اساطیر ایران آمده است: «دانش، حقیقت واحد و گوهر درخشان و بی‌نظیری بود که از آسمان به سوی زمین پرتاب شد. وقتی به زمین برخورد کرد، تکه تکه شد و هر تکه‌ای از آن در جایی

افتاد. آنگاه، انسان‌هایی به پا خاستند و هر یک، به یکی از این تکه‌ها پرداختند. انسان‌ها، غالباً، بدون آن که از کار هم آگاه باشند، این تکه‌ها را در کنار هم قرار می‌دهند، و سرانجام از حاصلِ کارِ جمعی همهٔ انسان‌ها، آن گوهر ارزشمند و حقیقت والا شکل اولیهٔ خود را بازخواهد یافت.» البته، امروزه، به برکت مطالعات میان‌رشته‌ای و حرکت در مرزهای دانش، وحدت ذاتی این گوهر بیش از گذشته آشکار شده است. اگر در گذشته و با بینش‌های اساطیری و فلسفی از این یگانگی با بیان‌های انتزاعی و کلی یاد می‌شد، امروزه با بیان‌های حسی و تجربی این حقیقت ارزشمند قابل دریافت است.

تحت تأثیر این نگاه، فرهنگِ فرزاندگی، در طول تاریخ درخشان خویش، اقتضائات خاصی یافته و اهالی خاندان دانش و پژوهش روابطی عاطفی-عقلی و افتخارآمیز با یکدیگر داشته‌اند. چه بسا فرزاندانی که تمام وجود خود را وسیله‌ای تصور کرده‌اند که باید دیگران را به کمال برساند و از این رو، دانش و تجربهٔ خود را بی‌دریغ به دیگران اهدا کرده‌اند. یگانگی دانش‌ها اقتضا کرده که خردمندان از یکدیگر نکته‌ها بیاموزند، از این رو بسیاری از دانشمندان بزرگ اذعان کرده‌اند که از صاحبان علومی غیر از دانش تخصصی خود، بیش از رشتهٔ خود و منابع آن نکته‌ها آموخته‌اند. تعامل دانش‌ها، دانشگاه‌ها را به تدریج از این که در آموزش و پژوهش ادامهٔ دبیرستان‌ها باشند، به تولیدکنندگان دانش‌های جدید، مهارت‌های بی‌سابقه و توانمندی‌های فوق‌العاده سوق داده و اصطلاحاً دانشگاه‌ها اندک‌اندک از نسل ۱ به نسل ۵ و ۶ ارتقا یافته‌اند.

دانش و پژوهش در روزگار ما بر اخلاق دانشمندان و پژوهشگران تأثیرات ژرف نهاده است. امروز همگان، همصدا با مراد و مرشد مولوی، شمس تبریزی، معتقدند که «ما به اندکی ادب از بسیاری دانش نیازمندتریم». به همین سبب است که تواضع و فروتنی، تحمّل دیگران، کمک به همگان، بهره‌گرفتن از نظر سایر دانایان، و به دانایی و مهارت خود بسنده نکردن، روز به روز بیشتر در جوامع دانشگاهی رواج یافته است. امروزه دانشمندان بزرگ مثل خورشید بر همه‌جا بی‌دریغ می‌تابند و مثل باران بر همه جا می‌بارند و از این که دانشجویانشان از خودشان بهتر شوند، بر خود می‌بالند.

فرهنگِ فرزاندگی اقتضا می‌کند که آدمی از آموختن و آموزاندن یک لحظه غافل نشود، و اقتضا می‌کند به سبب تقدسی که برای دانش و پژوهش قایل می‌شود، نسبت به همهٔ دانشمندان، دانشجویان و پژوهشگران احترام قائل شود. مولوی در وصف چنین دانشمندانی می‌فرماید:

چون ازشان مجتمع بینی دو یار هم یکی باشند و هم ششصد هزار

بر مثال موج‌ها اعدادشان در عدد آورده باشد بادشان

مفترق شد آفتاب جان‌ها در درون روزن ابدان ما

همچو موری اندرین خرمن خوشم تا فزون از خویش باری می‌کشم

خدا را شکر که ما را نیز از انفاس چنین فرزاندانی بهره‌مند ساخت و سعادت دیدار و همنشینی با پاکان و نیکان عالم را ارزانی داشت و از فرهنگ والایشان جرعه‌ها چشانند.

محمدرضا صرّفی

دانشگاه شهید باهنر کرمان